



از کاشت تا مین جبر و برقی

دکتر حسن ذوالفقاری



FSC
FSC C019863



PEFC
PEFC/05-33-134

Paper from well managed forests
and controlled sources

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع
کاملاً مدیریت شده تهیه شده است.



مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی

این کتاب با همکاری
مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس
چاپ و منتشر شده است.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه: ————— ذوالفقاری، حسن، ۱۳۳۵ -
عنوان قراردادی: ————— گلستان، برگزیده، شرح
عنوان و نام پدیدآور: ————— از گلستان من ببر ورقی: هفت گفتار در آثار سعدی / حسن ذوالفقاری.
مشخصات نشر: ————— تهران: نشر خاموش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ————— ۳۲۸ ص.
شابک: ————— ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۳۶-۱۳-۹
وضعیت فهرست نویسی: ————— فیبا
عنوان دیگر: ————— هفت گفتار در آثار سعدی.
موضوع: ————— سعدی، مصلح بن عبدالله، - ۶۹۱ق. . گلستان -- نقد و تفسیر
موضوع: ————— Sadi, Mosleh-ibn Abdollah . Golestan -- Criticism and interpretation
موضوع: ————— نثر فارسی -- قرن ۷ق. -- تاریخ و نقد
موضوع: ————— Persian prose literature -- 13th century -- History and criticism
شناسه افزوده: ————— سعدی، مصلح بن عبدالله، - ۶۹۱ق. . گلستان، شرح
شناسه افزوده: ————— Sadi, Mosleh-ibn Abdollah . Golestan. Commentaries
رده بندی کنگره: ————— PIR۵۲۱۲/۶۱۱۱ف۲ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی: ————— ۸۵۸/۸۳۱
شماره کتابشناسی ملی: ————— ۵۲۴۱۲۱۹

از گلستان من بیورقی
هفت گفتار در آثار سعدی

دکتر حسن ذوالفقاری
عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس





نشر خاموش

نام کتاب:	از گلستان من ببر ورقی (هفت گفتار در آثار سعدی)
نویسنده:	حسن ذوالفقاری
طرح جلد و صفحه آرایی:	مجید شمس‌الدین
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:	سراج / مجتمع چاپ رضوی
چاپ / شمارگان:	اول ۱۳۹۷ / ۳۰۰ نسخه
قیمت:	۵۰۰۰ تومان
شابک:	۹-۱۳-۶۰۳۶-۶۲۲-۷۸

کلیه حقوق این اثر برای نشر خاموش محفوظ است.

ارتباط با نشر خاموش: ۰۹۱۲۰۱۷۸۱۹۴ | ۰۹۱۳۱۷۸۱۹۲۰

www.khamooshpub.ir | www.khamooshpub.com | @khamooshpubch

تهران، ولنجک، خیابان گلستان سوم، پلاک ۳، همکف

هرگونه کپی برداری، برداشت و اقتباس از تمام یا قسمتی از این اثر، منوط به اجازه کتبی ناشری باشد.

مرکز پخش: پخش ققنوس، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت)، بن بست مبین، شماره ۴

تلفن: ۰۶۶۴۰۸۶۴۰-۰۶۶۴۶۰۰۹۹

فروشگاه: کتابفروشی توس، خیابان انقلاب، نبش خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۸

تلفن: ۰۶۶۴۶۱۰۰۷

فهرست

۱۳	زیبایی‌شناسی نثر سعدی
۱۵	مقدمه
۱۶	نثر گلستان
۱۸	عناصر زبانی
۱۸	کاربرد واژگان
۲۲	عناصر ادبی
۲۲	نثر شاعرانه
۲۴	سجع و توازن
۲۷	وزن عروضی در گلستان
۳۰	تناسب‌های کلامی
۳۰	جناس
۳۱	تضاد
۳۳	عکس
۳۳	لف و نشر
۳۴	جمع و تقسیم
۳۴	اقتباس، درج، تضمین
۳۵	ایجاز
۳۸	طنز
۴۰	آمیختگی نظم و نثر
۴۲	بهره‌گیری از زبان و فرهنگ مردم
۴۵	تقارن‌ها و تناسب‌ها در گلستان سعدی
۴۹	اصل تقارن در هنر و ادبیات
۵۱	تقارن‌ها و تناسب‌ها در گلستان سعدی
۵۱	قرینه‌سازی نظم و نثر

- تقارن در نام باب‌ها ۵۲
- ساخت دوگانه حکایت‌ها ۵۳
- قرینه‌سازی در شخصیت‌ها ۵۵
- آرایه‌های متقارن ۵۷
- سجع‌ها ۵۷
- عکس و تناسب مطلب ۶۰
- قرینه‌های متضاد ۶۲
- تنسیق الصفات ۶۴
- تقسیم ۶۵
- تشبیه ۶۶
- ساختار داستان‌های گلستان ۶۷
- مقدمه ۶۹
- طبقه‌بندی داستان‌ها ۷۰
- نوع داستان‌ها ۷۱
- بیان داستان‌ها ۷۳
- حجم داستان‌ها ۷۳
- عناصر داستانی ۷۴
۱. شخصیت ۷۴
- ویژگی‌های قهرمانان گلستان ۷۸
۲. راوی ۸۰
۳. کنش ۸۲
۴. زمان و مکان ۸۳
- مثل‌وارگی راز ماندگاری و جاودانگی کلام سعدی ۸۵
- مقدمه ۸۷
- ضرب‌المثل‌ها در شعر شاعران ۹۱
- ضرب‌المثل‌های سعدی ۹۳

۹۹.....	۲. ایجاز و کوتاهی.....
۱۰۰.....	۳. جنبه‌های پند و اندرز.....
۱۰۱.....	۴. روشنی و درستی معنی.....
۱۰۱.....	۵. جنبهٔ زیبایی‌شناسی و بلاغی.....
۱۰۲.....	تشبیه.....
۱۰۳.....	استعاره.....
۱۰۳.....	سجع.....
۱۰۴.....	جناس.....
۱۰۴.....	قلب و عکس.....
۱۰۵.....	۶. حُسن تأثیر، جاذبه و کشش.....
۱۰۶.....	۷. تکیه بر تجربه.....
۱۰۷.....	۸. شمول و کلیت.....
۱۰۷.....	۹. انعکاس اندیشه و آئینه و روش زندگی.....
۱۰۸.....	۱۰. روانی لفظ و سادگی زبان.....
۱۱۰.....	۱۱. کاربردهای متفاوت.....
۱۱۱.....	۱۲. تغییر شکل.....
۲۲۷.....	بازتاب فرهنگ مردم در آثار سعدی.....
۲۲۹.....	مقدمه.....
۲۴۳.....	داستان‌های سعدی از زبان مردم.....
۲۴۵.....	مقدمه.....
۲۴۵.....	سعدی و گریبان فرزدق.....
۲۴۶.....	سعدی و خواندن کنتُ تراباً.....
۲۴۶.....	سعدی و شهرت اشعار وی در چین.....
۲۴۷.....	سعدی و ملاقات همام تبریزی در حمام.....
۲۵۰.....	دختر سعدی و خواجوی کرمانی.....
۲۵۱.....	سعدی و شترگم کرده.....

۲۵۳.....	سعدی و آستین نو.....
۲۵۵.....	سعدی و بی غم.....
۲۵۶.....	سعدی و قطبوی نامسلمان.....
۲۵۷.....	سعدی و قطب الدین شیرازی.....
۲۵۷.....	سعدی و خشت مال.....
۲۵۷.....	سعدی و نادان.....
۲۵۸.....	سعدی و بار کج.....
۲۶۱.....	سعدی و دیدار با مولانا.....
۲۶۲.....	سعدی و خواب دیدن عارف منکروی.....
۲۶۳.....	سعدی و دیدار با خواجه نصیرتوسی.....
۲۶۴.....	سعدی و شیخ روزبهان.....
۲۶۴.....	سعدی و معلم سیک.....
۲۶۶.....	سعدی و عاشق هندو.....
۲۶۷.....	سعدی، فرزдық و خاقان.....
۲۶۹.....	سعدی و ملاقات با نزاری قهستانی.....
۲۷۰.....	سعدی و متلک گفتن به دخترش.....
۲۷۰.....	دختر سعدی و مهمان اروپایی.....
۲۷۱.....	دختر سعدی و شوی رفتن او.....
۲۷۲.....	سعدی و چوپان عاشق.....
۲۷۵.....	سعدی در کتاب های درسی.....
۲۷۷.....	مقدمه.....
۲۷۷.....	۱. آثار سعدی در مکتب خانه ها.....
۲۷۹.....	آثار سعدی بعد از مکتب خانه و نظام جدید آموزشی.....

مقدمه

در این کتاب طی هفت گفتار کوشیده‌ایم ابعاد هنری و ادبی و شیوه داستان‌پردازی سعدی و نقش وی را در فرهنگ مردم واکاوی کنیم. در گفتار اول به راز هنری و ماندگاری کتاب گلستان پرداخته‌ایم. نثر سعدی پایه و مایه نثر فارسی و از بهترین نمونه‌های نثر هنری و ادبی است. این نثر با توجه به شایستگی‌ها و امتیازاتش تاکنون آن‌چنان که باید و شاید، موشکافانه بررسی نشده و اغلب محققان به نثر هنری سعدی کلی‌گرایانه نگاه کرده‌اند. پس از معرفی نوع و جایگاه نثر گلستان در میان نثرهای فارسی، عناصر سازنده آن را نشان داده‌ایم. این عناصر را در دو حوزه زبان و ادبیات فارسی بررسی کرده‌ایم. ابتدا در حوزه زبان به نقش و کاربرد واژگان (افعال، صفات، اسامی) و شیوه‌های بهره‌گیری خاص سعدی از زبان پرداخته‌ایم. سپس عناصر ادبی نثر سعدی را، از جمله سجع و توازن، اقتباس، ایجاز، طنز، فرهنگ و زبان مردم، آمیختگی نظم و نثر، داستان‌پردازی و اشارات

داستانی، بررسی کرده‌ایم. در هر حوزه و در بررسی هر عنصر به شیوه خاص سعدی در نثر اشاره شده و اشارات با نمونه‌هایی همراه‌اند که در نهایت نقل قول سعدی پژوهان مؤید و مکمل آن‌ها می‌شود.

در گفتار دوم به یک بُعد مهم گلستان، یعنی تقارن‌ها و تناسب‌ها، پرداخته شده است. سعدی ذهنی قرینه‌ساز و قرینه‌پرداز دارد و همین موضوع باعث می‌شود کلام او شفاف، منطقی، مستدل و دلنشین شود. تقارن‌های مورد بررسی ما عبارت‌اند از تقارن در نام باب‌ها، ساخت حکایت‌ها، تقارن‌های معنوی و لفظی، تقارن در شخصیت‌پردازی و آرایه‌های متقارن از جمله عکس، تضاد، قلب و تشبیه. براساس یافته‌های این تحقیق سعدی از انواع تقارن‌های لفظی و معنوی در سطوح زبانی، مضمونی، داستانی و سبکی خود بهره می‌گیرد؛ بی‌آنکه این تقارن‌ها به تکلف انجامد. توجه سعدی به سجع‌پردازی و آهنگ کلام نیز با ذهن قرینه‌ساز و قرینه‌پرداز وی بی‌ارتباط نیست. این تناسب‌سازی‌ها و تقارن‌اندیشی‌های سعدی سخن او را شفاف، منطقی و آموزشی می‌کنند. سعی شده است به شکل کمی و با ارائه مثال‌های فراوان، این تقارن‌ها تبیین و تشریح شوند.

در گفتار سوم شیوه‌های هنری سعدی را در داستان‌پردازی بررسی می‌کنیم. سعدی با ۳۷۰ داستان خویش در گلستان و بوستان می‌کوشد عمده‌ترین مفاهیم اخلاقی مورد نظر خود را بیان کند. از این میان ۱۸۱ داستان در گلستان آمده است. در این طرح ابتدا داستان‌های سعدی به لحاظ قالب داستانی، نوع بیان و حجم، طبقه‌بندی شده، سپس معلوم شده که اغلب داستان‌های سعدی حکایت و به لحاظ حجم ۷۰٪ داستان‌ها کوتاه و ۴۰٪ داستان‌ها طنزآمیز است. در حوزه عناصر داستانی شخصیت‌های گلستان (۴۳۱ شخصیت) طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. همچنین در بررسی راویان حکایت‌ها معلوم شده که ۲۲٪ شخصیت‌ها از

نوع اول شخص و ۷۸٪ سوم شخص هستند. از میان ۱۸۱ داستان گلستان تنها ۱۴۱ داستان کنش دار و ۴۰ مورد دیگر فاقد کنش اند. زمان و مکان ۶۳ داستان گلستان، یعنی ۳۵٪ داستان‌ها، مشخص است. توصیف عناصر داستانی در گلستان معلوم می‌کند که سعدی به عنصر شخصیت بیش از سایر عناصر اهمیت می‌دهد. در این بررسی از میان عناصر مختلف داستانی - پیرنگ، شخصیت، زمان و مکان، راوی و زاویه دید، درون مایه، بن مایه، گفت و گو، فضا، لحن، طرح، حقیقت‌مانندی، حادثه، کشمکش، گره‌افکنی، بحران، تعلیق، اوج و گره‌گشایی - تنها چهار عنصر بررسی می‌شود. این چهار عنصر عبارت‌اند از شخصیت، راوی و زاویه دید، کنش، زمان و مکان.

در گفتار چهارم به یک ویژگی خاص آثار سعدی پرداخته شده و آن ارسال مثل است. تعداد زیادی از ابیات و تمثیل‌های اوزبازند عام و خاص شده‌اند. در این کتاب کوشیده‌ایم امثال را استخراج و به ترتیب الفبایی بیاوریم. انتخاب این مثل‌ها بر اساس شهرت و ضبط و درج آن‌ها در کتاب‌های معروف امثال، از جمله امثال و حکم دهخدا، دوازده هزار مثل فارسی شکورزاده، فرهنگ امثال سخن و نظایر آن‌ها بوده است؛ وگرنه ابیاتی که قابلیت‌های مثلی دارند یا حکمتی استوار در آن‌ها طرح شده است در آثار سعدی کم نیستند. این تعداد آن‌هایی هستند که به شهرت بیشتری رسیده‌اند.

در گفتار پنجم به بازتاب فرهنگ مردم در آثار سعدی پرداخته شده است. در تمام آثار سعدی و به‌ویژه گلستان فرهنگ مادی و معنوی مردم بازتاب یافته و از نگاه تیزبین سعدی دور نمانده است. سعدی شاعری مردم‌شناس و آشنا با روحیات و زندگی آنان است. این خصیصه او باعث شده به فرهنگ مردم توجه ویژه داشته باشد و در آثارش انعکاس یابد. در این گفتار با بخشی از فرهنگ مردم در عصر سعدی آشنا می‌شویم.

گفتار ششم داستان‌های سعدی از زبان مردم است. سعدی شاعری است که خوانندگان بی‌شماری میان مردم دارد؛ از این رو در ذهن مردم جاودان است. سعدی چنان با مردم از زندگی و روحیات و رفتار آنان سخن می‌گوید و چنان با آنان صمیمی است که مردم او را از آن خود می‌دانند و به خود اجازه می‌دهند دربارهٔ او افسانه‌سرایی کنند. در این گفتار تعدادی از این روایات مردم ساخته را می‌خوانیم.

در گفتار هفتم نقش سعدی را در کتاب‌های درسی طی یکصد سال اخیر نشان داده‌ایم. این پژوهش نشان می‌دهد از دورهٔ آموزش مکتب‌خانه‌ای به بعد تا امروز در کتاب‌های درسی به آثار سعدی توجه بیشتری شده است. البته در دو دههٔ اخیر این حضور کم‌رنگ‌تر می‌شود. از گلستان و بوستان به عنوان متن‌های آموزشی و تعلیمی بیشتر استفاده شده و از غزلیات کمتر. این هفت گفتار قبلاً در مجلات علمی - پژوهشی چاپ شده‌اند و اکنون ذیل یک مجموعه بازنشر می‌شوند.

حسن ذوالفقاری

بهار ۱۳۹۷

گفتار اول

زیبایی شناسی نثر سعدی

مقدمه

به گواهی مقدمه فرهنگ سعدی پژوهی تنها ۱۷ مقاله از ۱۲۳ مقاله نگاشته شده (دو درصد) درباره سعدی پیرامون زیبایی شناسی سخن سعدی است که از این تعداد، مقالات قابل اعتنا به عدد انگشتان یک دست هم نمی رسد. اغلب مقالات پیرامون مضامین، محتوا، نقد واژگانی و شرح مشکلات گلستان سعدی است. چنان که می دانیم عمده شهرت گلستان به دلیل زیبایی شناسی آن و هنرهای زبانی و کلامی سعدی است. ۴۰٪ از کل پژوهش های مربوط به سعدی شناسی به گلستان اختصاص یافته و این تعداد توجه پژوهشگران را به گلستان سعدی نشان می دهد. نه تنها ادیبان و صاحب نظران بلکه تمامی مردم نیز همواره کلام سحرانگیز سعدی را می خوانند و زمزمه می کنند. وجود بیش از ۴۰۰ ضرب المثل در گلستان سعدی از جایگاه مردمی کلام سعدی خبر می دهد.

در این مقاله کوشیده ایم ظرایف و نکته های خاص و شگردهای زبانی و ادبی سعدی را به کمک نمونه ها و مثال ها بررسی و تحلیل کنیم؛ زیرا بی گمان لذت درک و کشف سخن سعدی و شیرینی و حلاوت ذاتی آن زمانی نصیب خواننده می شود که به وجوه زیبایی شناسانه سخن وی واقف شود.

نثر گلستان

نثر گلستان آمیزه‌ای از سادگی و صنعتگری است. در گلستان هم نثر مرسل هست هم مسجع و هم فنی. یک هنر سعدی ابداع نثری است که به قول وی «متکلمان را به کار آید و مترسلان را بلاغت افزاید» (ص ۱۹۱). «او گاه میان دو نثر مصنوع و مرسل پیوند می‌زند و نثری ابتکاری ایجاد می‌کند، چنان‌که گاه نثراو «مسجع مرسل» و گاه «فنی مرسل» و گاه «مرسل» خوانده می‌شود.^۱ انتخاب نوع نثر به اقتضای کلام، موضوع و هدف سعدی بستگی دارد. نثراو به گفته فروغی «گذشته از فصاحت، بلاغت، سلاست، ایجاز، متانت، استحکام و ظرافت، همه آرایش‌های شعری را هم در بردارد.»^۲

بی‌دلیل نیست که علامه همایی نثر گلستان را «آیت محکمه زبان فارسی»^۳ می‌داند و همین امتیاز نثر گلستان است که توانسته گروه زیادی از نویسندگان را تحت تأثیر روش خود قرار دهد.^۴ به اعتقاد محمدعلی فروغی «سعدی هفتصد سال پیش به زبان امروزی ما سخن نگفته است، بلکه پس از هفتصد سال ما به زبانی که از سعدی آموخته‌ایم، سخن می‌گوییم.»^۵ حال باید پرسید راز این توفیق بزرگ در چیست. به اعتقاد دکتر غلامحسین یوسفی «هنر بزرگ سعدی این است که نثر فارسی را از چنگ تکلف و تصنع و آرایشگری‌های زننده و کلمات و ترکیبات دور از ذهن و فضل فروشی نجات داده و بدان اعتدالی مطبوع و موزون بخشیده است.»^۶

۱. خطیبی، حسین، فن نثر در ادب فارسی، ص ۶۰۲

۲. کلیات سعدی، مقدمه گلستان

۳. کلیات سعدی، ص ۲۶

۴. درباره مقلدان سعدی رک:

الف. منزوی، احمد، «تتبع در گلستان سعدی»، وحید، دوره ۱۱، شماره سوم تا هشتم، ۱۳۵۲، معرفی ۳۶ اثر.

ب. عبداللهی، رضا، «به تقلید از گلستان سعدی»، مجله رشد ادب فارسی، سال ۵، شماره ۱۹ و ۲۰، ۱۳۶۸، معرفی ۱۳ اثر.

۵. یوسفی، غلامحسین، دیداری با اهل قلم، ج ۱، ص ۲۷۲

۶. کلیات سعدی، مقدمه

ویژگی مهم نثر سعدی، سهل‌ممتنع بودن آن است. از یک سو به زبان محاوره نزدیک است، از سویی دیگر با اندکی تأمل اثر انگشت هنرمند وی را می‌توان در آن بعینه دید.

اکنون دو حکایت را از منظر سادگی و صنعتگری با هم مقایسه می‌کنیم. ناخوش‌آوازی به بانگ بلند قرآن همی خواند. صاحب‌دلی براو بگذشت. گفت: «تورا مشاھرہ چند است؟» گفت: «هیج.» گفت: «پس چرا زحمت خود همی دهی؟» گفت: «از بهر خدا می‌خوانم.» گفت: «از بهر خدا بخوان.» (ص ۱۳۲)

هیج آریه‌ای در این حکایت نیست. نثری است ساده و بی‌تکلف. تنها لطف زبانی در عبارت «از بهر خدا» است که ناخوش‌آواز از بهر خدا می‌خواند و سعدی نیز از او می‌خواهد از بهر خدا بخواند. طنز لطیف در حکایت و سادگی زبان، داستان را خواندنی و ماندنی کرده است. اکنون به حکایت زیر توجه کنید.

ابله‌ی را دیدم سمین، خلعتی ثمین در برو قصبی مصری بر سر و مرکب‌ی تازی در زیران و غلامی از پی دوان. کسی گفت: «سعدی، چون می‌بینی این دیبای مُعَلِّم برای حیوان لا یعلم؟» گفتم: «خطی زشت است که به آب زر نبشته است.» (ص ۱۱۹)

لحن این حکایت نیز مانند قبلی طنزآمیز است، اما کلام پرصنعت است. حذف و جابه‌جایی فعل، تشبیه مرکب لباس‌های زیبا بر تن ابله به خط زشت که به آب زر نوشته شده باشد، استعاره گرفتن حیوان برای ابله، جناس (ثمین، سمین)، سجع‌ها (دوان / ران، مُعَلِّم / لایعلم، سمین / ثمین)، توصیف‌های کوتاه (قصبی مصری بر سر و مرکب‌ی تازی در زیران و غلامی از پی دوان) و مراعات نظیر (خلعت، مرکب، غلام / خط، آب زر، نبشته)، آن را هنرمندانه و ادیبانه کرده است.

داستان طرحی ساده و بی‌کنش دارد، تنها گفت‌وگویی میان سعدی و

دوستش است. این صنعتگری بی آنکه به چشم آید و خود را از کلام بیرون زند، ضعف داستانی را می پوشد. سعدی سادگی را این گونه با صنعتگری درمی آمیزد و از هریک به اندازه و در جای خود سود می برد. راهی که سعدی می گشاید آمیزش نثر مرسل و فنی و مسجع و رعایت حد اعتدال است. محبوب می نویسد: «نخستین کسی که توانست در نثرنویسی، سادگی را با صنعتگری درآمیزد و از هریک به اندازه لازم سود جوید و به راه افراط یا تفریط نرود، شیخ اجل سعدی است. سر توفیق عظیم گلستان نیز در همین نکته نهفته است؛ آمیختن دو شیوه و رعایت حد اعتدال و صنعتگری و اقدام بدان تا حدی که به سادگی و قابل فهم بودن نثر لطمه نزند.»^۱ از این پس نثر گلستان را در دو حوزه عمده کالبدشکافی و بررسی می کنیم.

عناصرزبانی

کاربرد واژگان

هنر سعدی در واژه گزینی است. او هر واژه را در جای خود می نشاند. هیچ واژه زائدی در نثر وی دیده نمی شود. این کاربرد به ایجاز سخن سعدی کمک می کند. به موجزترین حکایت گلستان توجه کنید.

«هندویی نطف آموزی همی آموخت. حکیمی گفت: «تورا که خانه نشین است بازی نه این است.» (ص ۱۵۹)

این ایجاز نتیجه واژه گزینی بجا و انتخاب مناسب کلمات است. گاه تمام لطف یک حکایت به دلیل انتخاب واژگان متناسب است.

«موسی علیه السلام قارون را نصیحت کرد که أحسن كما أحسن الله إليك، نشنید و عاقبتش شنیدی.» (ص ۱۶۹)

این نمونه ها در گلستان کم نیستند. وجه غالب نثر گلستان همین گزیده گویی و قصارنویسی از طریق انتخاب واژگان مناسب است.

در کاربرد واژگان عربی راه افراط نمی‌پوید. در داستان‌هایی که درصد بیشتری از کلمات عربی مشاهده می‌شود، باز چنان هنرمندانه و دریافت‌متن‌اند که کلمات مهجور عربی خوش می‌نشینند و عربی بودن آن‌ها احساس نمی‌شود. یکی از حکایت‌هایی که واژگان عربی نسبتاً بیشتری دارد، داستان «طایفه دزدان عرب» (ص ۶۰) است. تنها در سه خط اول حکایت این واژگان عربی دیده می‌شوند: طایفه، منفذ، بلدان، رعیت، مکاید، مرعوب، مغلوب، ملاذ، منیع، قلّه، ملجأ، مأوا، مدبّر، مضرت، دفع؛ اما با خواندن حکایت نه تنها در فهم آن خللی ایجاد نمی‌شود، بلکه آهنگ کلام، پیوستگی متن و بافت سالم حکایت اجازه نمی‌دهند تعدد واژگان عربی به روانی حکایت آسیب رساند. سعدی واژگان عربی و فارسی را در کمال اعتدال در کنار هم می‌نشانند. حال اگر نصف همین واژگان را نویسنده‌ای جز سعدی در متنی سه صفحه‌ای به کار می‌برد کاملاً خود را نشان می‌داد. این نکته نشان می‌دهد واژگان مثل موم در دستان سعدی‌اند. در مجموع «واژه‌های عربی که در نثر این کتاب به کار رفته، هیچ‌گاه از حدود لغات مستعمل و شناخته شده فراتر نرفته است. سعدی با قریحهٔ خلاق و لطف ذوق، همواره خود را از تنگنای دشوار سختی به آسانی رها ساخته، زیبایی و روانی را در هم آمیخته و نمونه‌هایی به دست داده است که نشان می‌دهد بدون نیاز به استعمال کلمات دشوار عربی، می‌توان در قالب قصص و حتی قطعات و تناسب آهنگ و برجستگی لغات را به آسانی مراعات نمود و حدود زبان فارسی را از ورود لغات مشکل و نامأنوس مصون نگاه داشت.»^۱

«یکی از نوآوری‌های سعدی در حوزه کاربرد واژگان بهره‌گیری از واژگانی است که قبلاً کاربردی نداشته یا در فرهنگ لغتی ثبت نشده‌اند؛ از جمله جماید و ذمائم و عوایب (جمع عیب)، یا کفاف (درآمد ناکافی)، عجایب (جمع عجیب)، زادمعنی، بارسالار، حجیج، بزرگان عدول، معدّه سنگی

و... که تنها در گلستان دیده می‌شود و این کلمات پس از سعدی رواج یافته است.^۱

در حوزه واژگان، فعل و کاربردهای ویژه آن نقش مهمی در آفرینش هنری سعدی ایفا می‌کند. به حکایت زیر توجه کنید.

خطیبی کربیه الصوت خود را خوش آواز پنداشتی و فریاد بی فایده داشتی. گفتی
 نَعِيبٌ غُرَابٌ الْبَيْنِ در پرده الحان اوست یا آیتِ اِنَّ اَنْكَرَ الْاَصْوَاتِ در شأن او.
 مردم قریه به علت جاهی که داشت بلیتش می‌کشیدند و اذیتش مصلحت
 نمی‌دیدند؛ تا یکی از خطبای آن بوم که پنهان با وی عداوتی داشت باری به
 پرسیدن رفتش. گفت: «تورا خواهی دیده‌ام، خیر باد!» گفت: «چه دیده‌ای؟»
 گفت: «چنان دیدمی که تورا آوازی خوش بودی و خلق از نفست در آسایش
 بودندی.» گفت: «این چه مبارک خوابی است که دیدی! مرا بر عیب خود
 واقف کردی. معلوم شد که آواز ناخوش دارم و خلق از نفسم در رنج‌اند؛ توبه
 کردم که از این پس خطبه نخوانم مگر به آهستگی.» (ص ۱۳۱)

در این حکایت نه خطی از ۲۶ فعل استفاده شده است. هر خط سه فعل دارد. این آمار را می‌توان تقریباً به تمام گلستان تسری داد. از ۲۶ فعل هجده فعل ماضی، دو فعل مضارع، یک فعل امر و سه فعل اسنادی است. هجده فعل ماضی شامل انواع فعل ماضی و در چهار وجه و به تمامی صیغه‌ها به شکل مثبت و منفی است. این افعال از سیزده مصدر مختلف‌اند. التفات، تنوع افعال و کوتاهی جملات یک ویژگی سبکی سعدی است که مایه پویایی و تحرک نوشته‌های اوست. یک جنبه ایجاز سخن سعدی نیز در کاربرد جمله‌های کوتاه و البته مفید معنی و کامل و جامع است. نمونه دیگر داستان «غلام دریاندریده» (ص ۶۴) در باب اول است که ده سطر است و ۳۵ فعل دارد.

۱. هادی‌زاده، رضا، «سعدی و زبان عربی»، در ذکر جمیل سعدی، ج ۳، ص ۲۷۵-۲۹۲؛ خطیب رهبر، «برخی از قواعد دستوری نادر در گلستان»، در مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، ص ۱۲۷-۱۴۷.

افعال کاربردهای وسیعی در نثر سعدی دارند. این کاربردها از طریق ایجاد مفاهیم کنایی، استعاری و مجازی شکل می‌گیرد؛ برای مثال فعل «گرفت» در گلستان در معانی زیر کاربرد می‌یابد:

آغاز کردن: ملک را دشنام دادن گرفت؛

کسب کردن: طبیعت ایشان گرفت؛

اثر کردن: هرچه گوید نگیرد اندر کس؛

برگزیدن: هر روز جایی گیرد؛

مسخر کردن: دیار مشرق به چه گرفتی؟

فرض کردن: گیرم که غمت نیست؛

مسدود شدن: سرچشمه باید گرفتن به پیل؛

کردن: با بدان آن به که کم گیری ستیز؛

مشتعّل شدن: گرفت آتش در دامنش.

نظیر این نمونه‌ها بسیار است. تنها فعل «آمدن» در آثار سعدی قریب به هشتاد معنی دارد.^۱

سعدی برای بهره‌گیری هرچه بیشتر از توان افعال، رعایت ایجاز و موازنه و پرهیز از ذکر افعال، فعل را مقدّم می‌آورد. به جمله زیر توجه کنید.

«به خواب دید پادشاهی را در بهشت و پارسایی را در دوزخ»؛ اگر فعل در جای خود قرار بگیرد موازنه و ایجاز بر هم می‌خورد. در جمله «گذر داشتم به کوی و نظر با رویی»، اگر فعل به آخر برود (به کویی گذر داشتم و با رویی نظر [داشتم])، تمام آهنگ کلام و لطف سخن از دست می‌رود. سعدی با جابه‌جایی و حذف فعل آن را به جمله‌ای هنری بدل کرده است. جز این دو عامل، بلاغت سخن و رسایی جمله چنان ایجاب می‌کند که جابه‌جایی در ارکان جمله صورت پذیرد: «چون مدّت به عدّت برآمد عقد نکاحش

۱. نشاط، محمود، «نقش واژه‌ها و ترکیبات در آثار سعدی»، در ذکر جمیل سعدی، ج ۲، ص